

## نقد و معرفی کتاب

### فرهنگ لغات عامیانه و معاصر

منصور ثروت و رضا انزابی نژاد

انتشارات سخن، ۱۳۷۷، ۲۴ + ۹۱۹ ص

از دیدگاه تاریخی دو دلیل عمده بررسی زبان یکی مذهب و دیگری ادبیات بوده است. تحقیقات پانینی درباره زبان سانسکریت و بیشتر تحقیقاتی که تا دوره نوزایی در مورد زبان لاتین انجام می شده و کتاب سیویه چند نمونه از بررسی زبان هستند که به قصد صیانت متون مذهبی و زبان مذهب انجام شده است. پژوهشهای دانشمندان یونانی عهد اسکندرانیان درباره زبان یونانی نیز یک نمونه از پژوهشهایی است که برای حفظ متون ادبی صورت گرفته است. در این گونه تحقیقات هنجارهایی تغییرناپذیر و ابدی از زبان ارائه می شود و بدیهی است به گونه های گفتاری اهمیتی داده نمی شود. در قرون وسطی دستورهایی برای برخی گونه های گفتاری نوشته شده بود و زبان ایتالیایی امروز نیز دنباله گونه ای است که داتته در آثار خود به آن اعتبار داده و باعث شده بود زبان رسمی آن دوره سرزمینش شود (روبینز ۱۳۷۰: ۲۱۶).

گونه های گفتاری یا جغرافیایی اند یا خاص برخی طبقات اجتماع. نخستین بررسی علمی گونه های اجتماعی از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد (گیرو ۱۹۶۳: ۱۱). زبان عامیانه گونه ای اجتماعی است که هم از عوامل تغییر زبان و هم آئینه بعضی دگرگونیهای اجتماع است. البته این زبان نیز خود دارای گونه هایی اجتماعی است که زبان جاهلی (slang/argot) نمونه ای از آن است. زبان عامیانه واژگان و معنی شناسی و صرف و نحوی متفاوت از زبان معیار دارد. از حدود چهل سال پیش تاکنون آثاری درباره واژه ها و اصطلاحات گونه عامیانه زبان فارسی منتشر شده که فرهنگ لغات عامیانه جمالزاده و فرهنگ عوام امیرقلی امینی و کتاب کوچه شاملو از این قبیل اند.<sup>۱</sup>

۱. فرهنگ لغات عامیانه استاد ابوالحسن نجفی نیز در زمان تحریر این نقد در حال انتشار بوده است.

فرهنگ لغات عامیانه و معاصر هم از جمله آثاری است که بخشی از واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه در آن ضبط شده است. چنانکه مؤلفان در «روش کار» آورده‌اند و در فهرست منابع (ص ۲۱) نیز مشخص شده حداقل از شصت و چهار اثر ادبی و هشت فرهنگ و فرهنگ‌گونه برای انتخاب مدخلهای کتاب استفاده شده است. مدخلها - چه لغات و چه ترکیبها - به ترتیب الفبا تنظیم و آوانگاری شده‌اند و معانی آنها ترجیحاً همان معنایی بوده که در فرهنگهای موجود در فهرست منابع کتاب (ص ۲۱) وجود داشته است. معانی مترادف با ویرگول و معنی‌های متفاوت با نقطه از یکدیگر جدا شده‌اند. جمع‌آوری و ضبط لغات و اصطلاحات عامیانه و ارائه معانی دقیق آنها از لحاظ همزمانی و در زمانی اهمیت دارد و تدوین کتابهایی نظیر فرهنگ لغات عامیانه و معاصر نیز به همین علت ضروری است. اما نارساییهایی در این فرهنگ هست که در صورت اصلاح نشدن آنها از ارزش و کارایی کتاب کاسته می‌شود. نگارنده چند نمونه از ایرادها را بدین شرح ارائه می‌کند:

۱. فرهنگها از نظر نوع عناصری که در آنها مدخل واقع می‌شوند تفاوتهایی با هم دارند، اما قراردادن افعال اصطلاحی در مدخل کاری غریب است که در این فرهنگ انجام شده است. انتخاب افعال اصطلاحی برای مدخل یک اشکال عمده روش‌شناختی است و اطلاعاتی ناقص و حشوآمیز به استفاده‌کنندگان می‌دهد. مؤلفان می‌توانستند یکی از عناصر اصلی را در مدخل بگذارند و گروه یا اصطلاح مفروض را در زیر آن بیاورند. مثلاً به جای اصطلاح به‌ناف بستن می‌توان ناف را مدخل قرار داد و اصطلاح مذکور را در زیر آن آورد. به نظر نگارنده می‌توان فعل را نیز مدخل ساخت و گروه یا اصطلاح مربوط را در زیر آن جای داد.

۲. چنانکه ذکر شد افعال اصطلاحی در مدخل اصلی فرهنگ آمده است. اما در این کار نیز از روش واحدی استفاده نشده. به گفته مؤلفان اولین واژه ترکیب ملاک ضبط مدخلها بوده است (ص ۹). چون فعل اصطلاحی از جلوی چیزی (یا کسی) برآمدن با حرف الف آغاز می‌شود در مدخلی که با این حرف آغاز می‌شود درج شده و در مدخل برآمدن نیز به اصطلاح مربوط به آن ارجاع داده شده است. اما مدخلی مانند خرج رودست کسی گذاشتن وجود دارد که تعریفی برای آن ارائه نشده و به رودست کسی گذاشتن ارجاع داده شده و در مدخل گذاشتن نیز اشاره‌ای به اصطلاح مربوط به آن نشده است. همچنین برای اصطلاح به ملاج کسی آفتاب خوردن تعریفی داده نشده و به مدخل آفتاب به ملاج کسی خوردن ارجاع داده شده است. بی‌نظمیهایی از این دست که فراوان در فرهنگ دیده می‌شود یکی از پیامدهای مدخل قرارگرفتن افعال اصطلاحی است.

۳. به گفته مؤلفان «تلفظ امروزی» و «تلفظ تهران» ملاک آوانگاری بوده است و «ارج نهادن به تلفظ عامه» حتی شامل تلفظ «و» هم شده و شکل‌گفتاری آن ضبط شده است (ص ۱۰-۹). اما با

بررسی مدخل‌هایی نظیر آب‌زیرکاه و از منبر پایین آمدن و به‌خون کسی تشنه بودن و پاشنه ترکیده و تل انبار و تکیه کلام و صدها مدخل دیگر ثابت می‌شود که در ضبط مدخلها و آوانگاری آنها به تغییرات همزمانی و در زمانی (تاریخی) توجه نشده است. در حالی که تلفظ گاه و منبر و تشنه و ترکیده و تل انبار و تکیه کلام در گفتار به صورت *kâ* و *membar* و *tešne* و *ter(e)kide* و *talambâr* است مؤلفان یا صورت مکتوب را ملاک قرار داده‌اند و یا شکل فصیح را هم به‌همراه صورت گفتاری ضبط و آوانگاری کرده‌اند. مثلاً *menbar* و تکیه کلام را *ta(e)kya(e)* آوانگاری کرده‌اند. لفظ *دبه* علاوه بر اینکه *dabba* آوانگاری شده تلفظ آن در شهر تبریز نیز مشخص شده است و *پلاژ* و *پلاک* به شکل *plâž* و *p(e)lâk* ضبط شده‌اند. یعنی مؤلفان به خوشهٔ دو همخوانی آغازی در تداول عامه قائل شده‌اند.

۴. عناصر سازندهٔ مدخل‌های آوانگاری شده با خط تیره از هم جدا شده‌اند. مشخص نیست که این تقطیع در مرز واژه‌هاست یا تکواژها. مثلاً زنجیرهٔ گل نازکتر که جزئی از مدخل از گل نازکتر به کسی نگفتن است به صورت *gol-nâzok-tar* تقطیع شده. یعنی مرز تکواژ ملاک جدایی قرار گرفته است. اما در ترکیب خدائی نمازی از مدخل آدم خدائی نمازی که به شکل *xodâiy-namâzi* آوانگاری شده معیار تجزیه مرز واژه بوده است.

از طرفی واژه‌ها و اصطلاحات قرضی بیگانه از نظر زبان فارسی زبانانی که با آن زبانها آشنایی ندارند یک تکواژ واحد محسوب می‌شوند. اما مشاهده می‌شود که ترکیب‌هایی نظیر *al-ahamm-o* و *ebn-ol-vaqt* و *al-aham fal-aham* و *kon-fayakun* و *fi-hâ-xâledun* و *faman-ya'mal* تقطیع شده است.

۵. نویسندگان فرهنگ در «چگونگی ثبت مفردات و ترکیبات» قید کرده‌اند آنچه که داخل پُرانتز آمده «بدین معنی است که آن عبارت یا ترکیب، با وجود یا بی‌وجود آنچه داخل پُرانتز آمده خوانده می‌شود» (ص ۱۰). مثلاً ترکیب آب پاکی (را) (روی) دست کسی ریختن را می‌توان هم با عناصر داخل پُرانتز خواند و هم بدون آنها. اما با بررسی مدخل‌هایی که در آنها پُرانتز به‌کار رفته ثابت می‌شود که کاربرد این نشانه چندان به سامان نیست: به چوب (بچوب) بستن کسی را، به حرف آوردن (کسی را)، به باد چیزی (مثلاً انتقاد، فحش، کتک) گرفتن کسی را.

وانگهی در بسیاری از مدخلها به‌جای پُرانتز از قلاب استفاده شده است: به قناره کشیدن [کسی را]. و گاهی قبل از قلاب دو نقطه نیز آمده است: قرزدن: [کسی را ...]، قرمبه: [آسمان ...].

گاهی هم در داخل پُرانتز یا قلاب که خود به‌معنی یا نیز هست لفظ یا آمده است: به‌هم خوردن حال [یا دل] کسی، به‌هوار کسی [یا چیزی] افتادن.

۶. نویسندگان فرهنگ آورده‌اند که نشانه اختصاری «فر» را برای مشخص کردن ملیت واژه‌های مشترک انگلیسی و فرانسوی و واژه‌هایی که ملیت آنها معلوم نیست انتخاب کرده‌اند (ص ۱۸). اما مشاهده می‌شود که ملیت واژه‌هایی نظیر پروگرام و پاراگراف که باید با «فر» مشخص شود با صفت «انگلیسی» مشخص شده است. از طرفی ملیت واژه‌هایی مانند پلاک و پلاکات (پلاکارد) و پلتیک و ژلاتین و ژل و ژوکرو و ژاکت و ژاندارم و تانکرو و هال و تاکسیمتر و تعدادی دیگر از این نظر معین نشده است.

۷. شیوه‌گزینی و ضبط لغات تابو در فرهنگ یکسان نیست. مؤلفان لفظ عامیانه ذکر را ضبط کرده و معادل کودکانه آن را نیز مدخل قرار داده‌اند ولی حتی از معادل رسمی مربوط به جنس مخالف ذکری به میان نیاورده‌اند. همچنین به جای گاز بی‌صدایی که از دُبر خارج می‌شود نقطه‌چین گذاشته شده (به... نفسی افتادن) ولی نام گاز صدادار معادلش ضبط شده است: گوزمال شدن. و در مدخلی گاز بی‌صدا هم ظاهر شده است: چس افاده، چس آمدن. مدخلی واحد نیز وجود دارد که در آن یکی از گازها حذف و دیگری ضبط شده است: به... خریدن به‌گوز آزاد کردن. در شیوه ضبط دیگر لغات تابو نیز بی‌نظمی‌هایی از این نوع وجود دارد.

آنچه ذکر شد بخشی از نارساییهای کتاب است و چنانچه این موارد و مواردی از این دست در چاپهای احتمالی بعد اصلاح شود به کارایی و سودمندی آن افزوده خواهد شد.

با وجود ایرادهای مذکور نمی‌توان به فرهنگ لغات عامیانه و معاصر بی‌اعتنا بود و زحمت مؤلفان آن را نادیده انگاشت. به گفته خود ایشان و به نقل از ابوالفضل بیهقی، تا آدم قلم به دست نگیرد و خود به «نبستن» نپردازد از «پهنای کار» بی‌خبر است. با آرزوی موفقیت برای نویسندگان فرهنگ.

سید مهدی سمائی

### کتابنامه

- امینی، امیرقلی، ۱۳۷۱. فرهنگ عوام. شرکت چاپ و انتشارات علمی.  
جمالزاده، سیدمحمدعلی، ۱۳۴۱. فرهنگ لغات عامیانه. به‌کوشش محمدجعفر محبوب، فرهنگ ایران زمین.  
روبینز، آراج، ۱۳۷۰. تاریخ مختصر زبانشناسی. ترجمه علی محمد حق‌شناس، نشر مرکز.  
شاملو، احمد، ۱۳۵۷-۷۶. کتاب کوچک. نشر مازیار.

- Calvet, Louis-Jean, 1999. *L'argot*. Presses Universitaires de France.  
Caradec, F. 1977. *Dictionnaire du français argotique et populaire*, Larousse.  
Guiraud, P. 1963. *Le Français argotique*, Presses Universitaires de France.  
Guiraud, P. 1965. *Le Français populaire*, Presses Universitaires de France.  
Lewin, E., and A. E. Lewin, 1994. *Thesaurus of slang*, Wordsworth Reference.